

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ دسمبر ۲۰۲۰

"اثر سیاسی" شبه روشنفکران به "خضر های کاذب"

چهارشنبه - ۱۲ قوس ۱۳۹۹ - کابل: نخست می باید به انگیزه نگارش این مختصر اشاره نمایم. روز گذشته یک تن از همکاران، جنگ و جدالی را که چند روز قبل بین به اصطلاح "روند سبز افغانستان" با مخالفانش اعم از طرفداران "رحمانی" رئیس "ولسی جرگه" دولت دست نشانده، "عطاء نور" و بقیه مخالفان سیاست های ضد ملی "غنی احمدزی" که تازگی ها از "امراالله صالح" استفاده ابزاری می نماید، در دنیای مجازی "فیسبوک" جریان داشت برایم نمایش داد، چون خودم نه فیسبوک دارم و نه هم وقت و علاقه داشتن آن را، با این یادداشت می خواهم وظیفه ام را در قبال قشری که بدان تعلق دارم و مردمی که آگاهانه و یا ناآگاهانه به دنبال این قشر ره گم کرده روان شده، از این چاله بدان چاله و از این چاه چاه بدان چاه غلتیده اند، ادا نمایم:

تجارب تاریخی در تمام جهان من جمله افغانستان این نکته را به اثبات رسانیده که اوضاع ناآرام اجتماعی و حاکمیت جو انقلابی، زمامتست که تمام اقشار و طبقات اجتماعی چه برای بقاء و چه هم برای رسیدن به اهداف شان در تحولات اجتماعی سهم گرفته اند، باز هم تجارب تاریخی این نکته را به اثبات رسانیده که در ختم تکانه های بزرگ اجتماعی و فضای انقلابی، کشت انقلاب را فقط آن طبقات و اقشاری به نفع خود درو و مصادره نموده اند، که از آغاز بدون کمترین تزلزل و یا تذبذبی، جهت حفظ منافع طبقاتی با مشی مطابق با منافع طبقاتی شان، خود وارد میدان شده برای آن رزمیده، اندکی خود قربانی داده مگر بیشتر با قربانی نمودن احمق های سیاسی از سایر طبقات و اقشار به نفع خود و با به زانو درآوردن سایر رقباء، با به دست آوردن هدف، منافع و جایگاه طبقاتی اش را حفظ نموده است.

با تأسف در افغانستان این روند تا جایی که به قشر روشنفکر و حتا روشنفکران چپ تعلق می گیرد تا حد زیادی مسیر متضاد با بقیه جنبش های جهان را طی نموده است، یعنی در حالی که طبقات ارتجاعی، عقب مانده و ضد ملی آشکارا جهت حفظ منافع طبقاتی و ضد ملی شان وارد میدان شده اند، فؤدال برای منافع طبقاتی خودش و بوژوازی کمپرادور- سرخ و سیاه- جهت حفظ منافع طبقاتی خودشان از کشته ها پشته ساخته، نه آن یکی از "سویتیزم" رویگردان بود و نه این یکی از "امریکائی سازی" و "بازگشت به گذشته ۱۴ قرن قبل"، روشنفکران که من آگاهانه و به قصد "توهین" بر آنها "شبه روشنفکر" نام گذارده ام، یک روز به دنبال آن دجال سیاسی راه افتاده و "اثر سیاسی" داده اند و روز دیگر به دنبال دیگری و حتا چپ های کج شده از مسیر، کار را به جایی رسانده اند که برای "جمهوری اسلامی" و "انقلاب اسلامی" بر خون صد ها و هزاران کمونیست انقلابی خط بطلان کشیده اند و اینک علی رغم سپری شدن دهه ها، تا

هنوز جرأت ندارند که هویت ایدئولوژیک آن پاکبازان جنبش پرولتری کشور را معرفی بدانند؛ نتیجه چنین عملکرد زبونانه و ضد منافع پرولتاریا و در تقابل با روند تکامل جامعه، همان است که اینک می بینیم. یعنی در حالی که ۴ دهه قبل جنبش انقلابی افغانستان در محاسبات قدرت به مثابه بدیل مقابل جناح های ضد انقلابی و ضد ملی به شمار می رفت، در حالی که امروز با هویت اصلی که به ذره بین دیده نمی شوند با هویت "امانتی و استیجاری" همه روزه به دنبال یک از فریبکاران و کلاشان روان شده، "اشر سیاسی" می دهد. این کلاشان که از جانب زنده یاد "مجید" بسیار آگاهانه و داهیهانه "خضر کاذب" نامگذاری شده اند، خوب می دانند که چگونه این شبه روشنفکران را به دنبال خودسیاه خودش روان نماید، جنگ زرگری کنونی بین "صالح" و مخالفانش در حاکمیت، همه نمونه های برجسته همان ترندهای سیاسی می باشد.

هموطنان گرامی!

این را باید بدانیم که هم "صالح" و هم رقبایش همه دزد، جنایتکار، وطنفروش، خاین به کشور و قاتل مردم ماست، نه جنایاتی که "صالح" در رکاب خاینان ملی "برهان الدین ربانی و احدشاه مسعود" و حاکمیت قرون وسطائی جنایتکار آنها انجام داده و فجایعی از قبیل افشار را بار آورده فراموش مردم و تاریخ خونبار کشور می گردد و نه آن خیانت ها و جنایاتی که "عطاءنور" و یا "رحمانی" انجام داده اند.

هموطنان گرامی!

آنچه امروز آنها را مقابل هم قرار داده، دفاع از منافع ملی و طبقاتی من و تو و بقیه توده های میلیونی کشور نیست، بلکه آنها یک مشت دزد و چپاولگری اند که بعد از سرقت مسلحانه و به خاک و خون کشیدن صاحبان اصلی که کسی به غیر از توده های میلیونی کشور ما نیست، حین تقسیم غنایم با هم توافق نکرده، مقابل هم جنگ را آغاز نموده اند.

هموطنان گرامی!

به نظر من برای آنانی که کمترین و کوچکترین تعلق به جنبش روشنفکری چه بسا چپ دارند، هیچ ننگی بالاتر از آن نیست که به جای کار برای رهائی طبقات زحمتکش افغانستان، به دنیا این "خضرهای کاذب" روان شده، از یکی از طرفین نزاع حمایت نمایند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزع لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!